

فعالیت تجارخانه‌ها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی روسی در سبزوار اواخر دوره قاجار

هانیه طلوع فکور^۱

عباس سرافرازی^۲

چکیده

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، تولید پنبه در نتیجه جنگ‌های داخلی امریکا کاهش یافت و این مسأله برخی از دولت‌ها به‌ویژه روسیه را بر آن داشت تا برای جبران کسری پنبه مورد نیاز خود، وارد ایران شوند. از آنجایی که روسیه با تحمیل و اجرایی کردن مفاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، یکه‌تاز بازارهای تجاری ایران شده بود، در راستای خرید و تهیه پنبه از ایران گام برداشت. سبزوار که از دوره‌های گذشته به‌واسطه موقعیت جغرافیایی به یکی از مراکز عمده کشت پنبه تبدیل شده بود، از جمله مناطقی به‌شمار می‌رفت که توجه بازرگانان روسیه را برای خرید و صادرات این محصول باارزش جلب کرد. به‌گونه‌ای که روس‌ها برای دست‌یازیدن به این مقصود، به تأسیس تجارخانه‌هایی در این شهر همت گماشتند. این تجارخانه‌ها علاوه بر صادرات مقادیر زیادی پنبه به روسیه، در ترغیب کشاورزان این خطه به کاشت پنبه مرغوب نقش به‌سزایی داشتند. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر اسناد و مدارک آرشیوی وزارت امور خارجه و آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در صدد است تا فعالیت تجارخانه‌ها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی روسی را در عرصه صادرات پنبه به روسیه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سبزوار در اواخر دوره قاجار سهم عمده‌ای در تولید پنبه و صادرات آن به روسیه داشت؛ امری که سبب تأسیس تجارخانه‌ها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی روسی در این شهر شده است.

واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، دوره قاجار، سبزوار، تجارت خارجی، پنبه، تجارخانه‌ها، کارخانه‌ها.

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد- ایران haniehtolofakor1@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی، مشهد- ایران (نویسنده مسئول) ab.sarafrazi@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

پایان یافتن جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار و تحمیل عهدنامه‌های گلستان (۱۲۲۸ق./۱۸۱۳م.) و ترکمانچای (۱۲۴۴ق./۱۸۲۸م.) فصل جدیدی از تاریخ روابط اقتصادی و تجاری ایران را رقم زد. علاوه بر این عهدنامه‌ها، انعقاد قرارداد آخال و تأسیس راه آهن ماورای دریای خزر (۱۲۹۹ق./۱۸۷۸م.) بر نفوذ هر چه بیشتر روس‌ها در خراسان افزود. روسیه با اجرایی کردن مفاد عهدنامه‌های مزبور، دست انگلستان رقیب دیرینه خود را از بازارهای پرسود ایران کوتاه کرد و تجارت را در قبضه خود درآورد. در نتیجه این موازنه بازرگانی، کالاهای روسی به ایران وارد می‌شدند و متقابلاً محصولات ایران به روسیه صادر می‌شد. در چنین بستری بود که روسیه در نتیجه کاهش صادرات پنبه آمریکا همراه با افزایش قیمت آن، به ایران به‌عنوان منبعی مهم برای تأمین پنبه مورد نیاز اروپا می‌نگریست. از آنجایی که در سبزواری پنبه مرغوب تولید می‌شد، تجار و بازرگانان روسی به تأسیس تجارتخانه‌ها و همچنین کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی برای تولید، عدل‌بندی و صادرات این محصول می‌پرداختند. پژوهش حاضر در صدد است به دو پرسش بنیادین زیر پاسخ دهد:

- ۱- کدام تجارتخانه‌های روسی در حوزه تجارت پنبه سبزواری فعالیت می‌کردند؟
- ۲- هدف بازرگانان روسی از برپایی تجارتخانه‌ها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی در سبزواری چه بود؟

باید گفت که تاکنون پژوهشی مستقل در باره تجارت پنبه سبزواری، کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی و تجارتخانه‌هایی که در این شهر در دوره قاجار برپا شده بودند صورت نگرفته است. منابع دست اول موجود در زمینه اوضاع اقتصادی ایران، به‌طور کلی به مناسبات تجاری ایران و روسیه و صدور پنبه پرداخته‌اند. همچنین در برخی پژوهش‌های مرتبط با سبزواری جمله در کتاب *سبزواری شهر دیرینه‌های پایدار* نوشته محمود بیهقی به پنبه و صادرات آن به روسیه در دوره قاجار اشاره‌ای نشده و از تجارتخانه‌های فعال در سبزواری سخنی به میان نیامده است. شهرام غلامی در مقاله "بازتاب نظام اقتصاد جهانی در تولید و صادرات پنبه ایران از ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۴م./۱۲۳۹ تا ۱۳۲۰ش." تنها به صادرات پنبه ایران پرداخته و در باره جایگاه پنبه سبزواری سخن نگفته است. همچنین یعقوب تابش و فاطمه احمدوند در مقاله "واکوی جایگاه تجاری سبزواری در اواخر دوره قاجار" با آنکه جایگاه تجاری سبزواری را مورد بررسی قرار داده‌اند، به صدور پنبه این شهر به روسیه و نیز فعالیت تجارتخانه‌های روسی اشاره‌ای نکرده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع و مقالات مرتبط

با موضوع مورد بحث در صدد است تا علاوه بر شناسایی جایگاه محصول پنبه سبزواری، به فعالیت تجارخانه‌ها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی روسی در سبزواری بپردازد.

مناسبات تجاری ایران با روسیه

ایران از دیرباز به واسطه موقعیت جغرافیایی خود، سرزمینی حاصلخیز و دارای تجارت و صنعت بوده است، به طوری که ممالک غربی پیوسته خواهان برقراری روابط و مناسبات تجاری با ایران بودند (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۴). روسیه برای فروش محصولات و مصنوعات تولیدی کارخانه‌های خود و دسترسی به مواد خام فراوان و ارزان در صدد بود راهی به بازارهای آسیای مرکزی پیدا کند. به همین منظور یکی از اساسی‌ترین اصول سیاست این کشور، مستقر ساختن نفوذ تجاری و سیاسی در مشرق زمین بود. تأسیس نمایندگی‌های بازرگانی، ایجاد راه‌های ارتباطی و اعمال مزایا و معافیت‌ها برای کالاهایی که از راه روسیه به بازارهای شرق وارد و صادر می‌شد، جزء لاینفک دیپلماسی آسیایی آنها محسوب می‌گردید. همجواری خراسان با دریای خزر که روس‌ها حق کشتیرانی در آن را از آن خود کرده بودند و نزدیکی راه آهن ماورای دریای خزر از سال ۱۲۹۸ ق. / ۱۸۸۱ م. به بعد بستر مناسبی را برای پیشرفت تجارت روسیه در بخش‌های شمالی ایران فراهم آورد (کرزن، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۸۰). اما هدف دولت روسیه برای دستیابی به بازار ایران تا سال ۱۳۱۸ ق. / ۱۹۰۰ م. همواره به نفع ایران بود (انتنر، ۱۳۶۹: ۳۲-۳۳)؛ بدین معنی که روسیه بهترین بازار برای صادرات کالاهای ایرانی بود و تقریباً نیمی از صادرات ایران به این کشور روانه می‌شد (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۹). به هر روی، روابط تجاری ایران و روسیه به تدریج در دوره قاجار توسعه یافت و روسیه به مواد خام ایران نیاز فراوانی داشت. افزون بر این، مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران به روسیه مواد غذایی، الیاف، پنبه، خشکبار، بادام، گردو، فرش، برنج، تریاک، پنبه ابریشم، ماهی، پوست، چرم گاو، چرم گوسفند، کتیرا و صمغ بود. علاوه بر افزایش صادرات ایران به روسیه طی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۱۸ ق. / ۱۹۱۴-۱۹۰۰ م. بیشتر صادرات ایران شامل مواد خام می‌شد (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱).

در میان کالاهای صادراتی ایران دوره قاجار، پنبه مهم‌ترین آنها بود که بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده بود (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۷). با وجود اینکه آمار و ارقام دقیقی از میزان تولید پنبه در ولایت‌های مختلف ایران در دست نیست، اما برخی گزارش‌ها مدعی هستند که مقادیری از پنبه صادراتی ایران در شهر سبزواری تولید می‌شد. پنبه سبزواری نسبت

به سایر ولایات خراسان کیفیت مناسبی داشت و در مقیاس فراوانی کشت می‌شد (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۱-۱۲۷). تا جایی که سبزواری از مراکز عمده تولید پنبه تا اواخر دوره قاجار به‌شمار آورده‌اند (Gazetteer of Persia, 1910: 637/1). کشور روسیه از مقاصد مهم صادرات پنبه ایران بود که در فاصله سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۰۵ ق. / ۱۸۹۰-۱۸۸۸ م. حجم صادرات پنبه ایران به آن کشور تا سه برابر افزایش یافت (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۹). پنبه ایران از مسیرهای گوناگونی به روسیه ارسال می‌شد؛ برای نمونه پنبه خراسان از طریق ماوراء دریای خزر به روسیه صادر می‌گردید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۸۳). در سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ م. طبق گزارش اسناد انگلیسی، بیشترین حجم معاملات پنبه در سبزواری در دست سی نفر از تجار ارمنی - روسی ساکن این شهر بود که به‌عنوان نماینده شرکت‌های تجاری فعالیت می‌کردند (Gazetteer of Persia, 1910: 637/1؛ بیت، ۱۳۶۵: ۳۷۴). تجار ارمنی فعال در سبزواری حتی محصول پنبه ولایت جاجرم را نیز به روسیه صادر می‌کردند (بیت، ۱۳۶۵: ۳۶۴). پنبه خام به‌دست آمده در سبزواری، به‌وسیله شرکت‌های تجاری ارمنی به روسیه ارسال می‌شد. پنبه سبزواری مرغوب بود و هر ۶۵۰ پوند (یک خروار) آن به قیمت ۶ پوند (۳۰ تومان) به فروش می‌رسید (Gazetteer of Persia, 1910: 638/1).

صادرات پنبه ایران در آستانه قحطی پنبه

دولت‌های صنعتی نیاز فراوانی به مواد خام ایران داشتند (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۶) و این مسأله ایران را به‌سوی تولید پنبه سوق داد تا در نتیجه قحطی پنبه که بخشی از آن معلول جنگ‌های داخلی آمریکا بود، بتواند مقادیری از پنبه مورد نیاز کارخانجات و صنایع اروپا را تأمین کند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۰۸). آمریکا به‌ویژه در ایالت‌های جنوبی که تا پیش از جنگ‌های داخلی، منبع مهم تولید پنبه محسوب می‌شدند، در مدت چهار سال جنگ داخلی ۱۲۸۲-۱۲۷۷ ق. / ۱۸۶۵-۱۸۶۰ م. (پالمر، ۱۳۸۶: ۹۵۴/۲-۹۵۳) حتی قادر به تأمین پنبه مورد نیاز صنایع و کارخانجات خود نبود. در نتیجه این کمبود، تولید پنبه در ایران افزایش یافت، تا جایی که بخش عمده‌ای از کمبود پنبه در بازارهای جهانی را جبران کرد (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۷). پنبه که از مواد اولیه صنعت نساجی بود، در بیشتر مناطق ایران از جمله خراسان به‌عمل می‌آمد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷۶) و رونق کشت پنبه در خراسان زمینه صادرات این محصول را فراهم آورده بود (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۰). انواع مختلف پنبه در خراسان کشت می‌شد و نوع بسیار باکیفیت آن به قیمت‌های گزافی در بازارهای اروپایی به‌فروش

می‌رسید (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۷). برخی گزارش‌های موجود نشان می‌دهند که در فاصله سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵-۱۹۰۰ م. نواحی زیر کشت پنبه در خراسان به دو برابر افزایش یافته بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷۸). نیاز فراوان اروپایی‌ها به‌ویژه روسیه به تأمین پنبه، کشت این محصول را در بیشتر نواحی ایران مورد تشویق قرار می‌داد (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۶). بازرگانان روسی برای افزایش کشت و توسعه اراضی به‌منظور تولید پنبه، بذر مرغوب در اختیار پنبه‌کاران ایران قرار می‌دادند. علاوه بر تشویق دولت روسیه، زمین‌داران بزرگ که با بازارهای خارجی در ارتباط بودند، کشاورزان را وادار می‌کردند دست از کشت و زرع قدیمی بردارند و محصولات جدیدی چون پنبه را که در بازارهای خارجی مصرف‌کنندگان و خریداران زیادی داشت، کشت نمایند (ایوانف، ۱۳۵۶: ۱۱-۱۰). سرمایه‌داران ایرانی نیز که توانایی رقابت در حوزه تولیدات صنعتی را نداشتند، برای کاهش خطر ورشکستگی و کسب سود بیشتر، با آگاهی از اینکه پنبه خریداران فراوانی دارد، سرمایه‌های خود را به تولید و فروش این محصول اختصاص دادند (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۶).

در این میان، مشکل عمده پنبه‌کاران ایرانی این بود که از چگونگی کشت پنبه بی‌اطلاع بودند. آنها تخم پنبه الیاف بلند را با الیاف کوتاه مخلوط می‌کاشتند؛ در نتیجه محصول به‌دست آمده غیرقابل استفاده بود. از این‌رو، کنسول‌ها و بازرگانان روسی برای تولید پنبه باکیفیت، شیوه‌های کشت پنبه را به پنبه‌کاران آموزش دادند. نخستین فعالیت آنان در راستای آموزش کاشت پنبه به پنبه‌کاران ایران از سال ۱۳۰۷ ق. / ۱۸۹۰ م. آغاز شد. اقدامات روس‌ها در زمینه آموزش تولید پنبه باکیفیت در سال‌های بعد (۱۳۳۰ ق. / ۱۹۱۲ م.) نتایج چشمگیری داشت. روس‌ها برای دست‌یافتن به پنبه باکیفیت، فعالیت خود را تا سال ۱۳۳۱ ق. / ۱۹۱۳ م. ادامه دادند. پیامد چنین اقداماتی تولید پنبه باکیفیت در مناطق شمالی ایران تا اصفهان بود. با وجود فقدان فناوری مناسب و هزینه زیاد حمل‌ونقل، پنبه ایران بخش عمده‌ای (حدود ۱۵ درصد) از صادرات به روسیه را تشکیل می‌داد (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۰).

ارزش صادرات پنبه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در حال افزایش بود و سرانجام توانست حدود یک چهارم ارزش صادرات ایران را به خود اختصاص دهد (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۰). یکی از دلایل آن، تسهیلاتی بود که روس‌ها برای عوارض گمرکی در نظر گرفته بودند (کرزن، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۸۸). دولت روسیه هم‌چنین برای به‌دست آوردن پنبه مورد نیاز صنایع و کارخانجات خود، تسهیلاتی برای ساختن راه‌ها، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت حمل و نقل، کارخانه پنبه‌پاک‌کنی، انبار کالا و عمده‌فروشی، مطالعه پروژه راه‌آهن و

اقداماتی از این دست را در ایران در دستور کار قرار داد. پیامد چنین تسهیلاتی از طرف روس‌ها گسترش روابط تجاری با ایران بود تا از این طریق بر اقتصاد ایران مسلط شوند (انتنر، ۱۳۶۹: ۷۸). شایان توجه است که بخشی از محصول پنبه تولید شده در ایران برای تهیه ریسمان ضخیم، چلوار ضخیم، کرباس، طناب و مواردی از این دست مورد استفاده قرار می‌گرفت و مازاد آن به روسیه صادر می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷۹).

سبزوار؛ مرکز کشت پنبه خراسان

سبزوار دوره قاجار به لحاظ تعداد جمعیت و حجم مبادلات تجاری از ولایت‌های مهم خراسان به‌شمار می‌رفت (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۶۶۶/۲). گزارش کرزن نیز نشان می‌دهد که تجارت سبزوار در دوره قاجار از رونق خوبی برخوردار بود (کرزن، ۱۳۶۲: ۳۶۰/۱). به‌نظر می‌رسد یکی از علل گسترش تجارت سبزوار، قرار گرفتن این شهر در مسیر شاهراه خراسان-تهران بود. این مسأله عبور و مرور کاروان‌های بزرگ تجاری را از سبزوار به‌همراه داشت (بخاری، ۱۳۶۹: ۱۷۲-۱۷۱). افزون بر این، گزارش حاج سیاح در سال ۱۲۹۵ق. / ۱۸۷۸م. بیان می‌کند که سبزوار، محل تجارت و آمدوشد کاروان‌های تجاری بود که به سمت ترکستان روسیه و عشق‌آباد حرکت می‌کردند (سیاح‌محلای، ۱۳۵۹: ۱۲۵). دلیل اهمیت تجارت و بازرگانی سبزوار را می‌توان موقعیت جغرافیایی ویژه و داشتن محصولات عمده تجاری دانست. تجارت کالا در سبزوار تا حدود زیادی بر نوع محصولات کشاورزی و کمیت آن در منطقه تأثیرگذار بود و بالعکس نوع محصولات کشاورزی نیز بر شکل تجارت اثر داشت (تابش و احمدوند، ۱۳۹۸: ۴۵). گزارش ناصرالدین‌شاه نیز گواه آن است که اغلب زراعت سبزوار، پنبه بود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۵۴: ۱۶۵). وی از چندین مزرعه وسیع و آباد در شهر سبزوار یاد کرده‌است که در آن‌جا «تمامش زراعت پنبه بود» (ناصرالدین‌شاه ۱۳۵۴: ۱۶۸). سبزوار همچنین روستاهای آباد و مزارع حاصل‌خیز گسترده‌ای داشت که در بیشتر آنها پنبه تولید می‌شد و بخش بزرگی از تولیدات پنبه خام سبزوار به خارج از کشور صادر می‌گردید (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۶۶۶/۲؛ سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۰۲). دشت جویین (ییت، ۱۳۶۵: ۳۶۸)، رباط صدخرو (در زبان محلی سودخر) (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۰۰)، خسروگرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۳ق: ۲۲۲/۳)، مهر و مزینان (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۰۲-۳۰۱) از مناطق عمده تولید پنبه در سبزوار اواخر دوره قاجار به‌شمار می‌رفتند.

بر اساس گزارش دالمانی، ترقی سبزوار بیشتر به واسطه محصول زیاد پنبه بوده است و در این میان، وی به نقش عمده تجار ارمنی اشاره می‌کند که محصول پنبه را از مردم این شهر خریداری کرده و صدور آن به روسیه را منحصر به خود نموده‌اند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۸۸). تجارخانه‌های ارمنی فعال در سبزوار از طریق راه عشق آباد- قوچان که از آن به دروازه خراسان یاد می‌شد، با روسیه ارتباط تجاری برقرار می‌کردند. کار این تجارخانه‌ها صادرات پنبه به روسیه و واردات قند و چیت بود (کرزن، ۱۳۶۲: ۳۶۰/۱). با اینکه کرزن نامی از این تجارخانه نیاورده است، ارامنه روس که در شاهرود سکونت داشتند، بخشی از خوراک کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی خود را از سبزوار وارد می‌کردند. آنها پس از جداسازی غوزه از پنبه، پنبه‌ها را با شتر و قاطر از راه چلچیلیان از کنار رودخانه نکا به بندر گز می‌رساندند و از آنجا با کشتی به حاجی‌طرخان می‌بردند (ذبیحی، ۱۳۴۸: ۲۵۸). هم‌چنین در ولایت جوین از توابع سبزوار، کارخانه‌ای مجهز وجود داشت که در آنجا پس از تصفیه پنبه، آن را برای صادرات عدل‌بندی می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۲).

در این بین، یکی از مشکلات تجارت پنبه در سبزوار سلف‌فروشی بود که باعث از بین رفتن سرمایه تولیدکنندگان و تجار پنبه می‌شد؛ به‌همین دلیل حاجی صدرالدوله حاکم سبزوار در محرم ۱۳۲۱/۱۳۲۱ به عموم ملاکین و مستأجرین اطلاع داد: «چون همواره خاطر شهریاری در ازدیاد تمول رعایا و ترقی مال‌التجاره داخله است و فروش پنبه سلف موجب اتلاف مال و پریشانی عموم رعایا است، فی‌الحال قدغن اکید فرموده‌اند که معامله فروختن پنبه سلف با رعیت داخله و خارجه از طرف قرین‌الشرف اولیای دولت قاهره ممنوع باشد و چنان چه احدی از ملاکین و زارعین مرتکب شده پنبه سلف ابتیاع نماید، بایع و مشتری مؤاخذه خواهند شد» (آرشیو وزارت امور خارجه: ۱۸/۱۵-۱۱-۱۳۲۰ق). این مسأله باعث نگرانی تجار تبعه روس در سبزوار شده بود و به همین دلیل در اواخر محرم ۱۳۲۱/۱۳۲۱ به کنسولگری روسیه تلگرافی ارسال کردند که «تاجرباشی تبعه دولت روسیه مقیم سبزوار اعلانی داده است مبنی بر اینکه حکومت سبزوار حکم کرده و سلف فروختن پنبه را منع کرده است. البته از این قدغن مبالغ خطیری ضرر به تجار تبعه خارجه وارد می‌آید. زیرا که اسلافاً ابتیاع کرده‌اند و بهانه به‌دست مردم می‌افتد و تعویق محاسبات و مطالبات تجار می‌شود. به هر وسیله ممکن که سرکنسولگری بدانند، این قدغن را مرتفع و از میان بردارند که امور تجارتی با سهولت انجام پذیرد» (آرشیو وزارت امور خارجه: ۱۷/۱۴-۱۱-۱۳۲۰ق). تاجرباشی روسیه در این رابطه به کنسول روسیه نوشت: «حاجی صدرالدوله

حاکم سبزواری اعلام کرده است که اهالی سبزواری سلف‌فروشی پنبه را موقوف بدانند و از این کار بهانه به دست مردم افتاده اسباب خسارت تجار خارجه شده است». البته اگر سلف‌فروشی در حوزه تجارت پنبه در سرتاسر ایران منع می‌شد و این قانون به خوبی اجراء می‌شد، اسباب آسایش مردم اعم از پنبه‌کاران ایران فراهم می‌گردید (آرشیو وزارت امور خارجه: ۱۹/۱۴-۱۱-۱۳۲۰ق.). تجار تبعه روسیه که در سبزواری به تجارت اشتغال داشتند، در ۱۸ صفر ۱۳۲۱/۱۶ می ۱۹۰۳ از حکومت سبزواری شکایت کردند. هر چند که اسناد موجود مطالعه شده در این پژوهش در باره نتیجه شکایت تجار روس، آگاهی‌های دقیقی ارائه نمی‌دهند؛ عمده درخواست تجار روسیه آن بود که حکومت سبزواری به امور تجاری و فعالیت‌های اقتصادی آنها به خوبی رسیدگی نمی‌کند و این مسأله باعث شده بود در امور تجاری‌شان وقفه ایجاد شود (آرشیو وزارت امور خارجه: ۱۰۷-۱۶/۲-۱۳-۱۳۲۱ق.).

واردات ماشین‌آلات پنبه‌پاک‌کنی به سبزواری

گسترش سریع صادرات پنبه ایران به روسیه و ضرورت پاک‌کردن پنبه صادراتی سبب شد تا عده‌ای از شهروندان روسی در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۲). با این حال، کارخانجات مختلفی توسط ایرانیان نیز تأسیس شد و اما به علت بی‌تجربگی، بی‌ثباتی سرمایه، رقابت و اشکال تراشی روس‌ها و انگلیس‌ها دوام چندانی نیافت (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۹۳). در میان کارخانجات تأسیس شده، موفق‌ترین آنها کارخانجاتی مانند کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی بودند که به آماده‌سازی محصولات کشاورزی اشتغال داشتند (اشرف، ۱۳۵۹: ۸۶). نیاز دولت روسیه به پنبه ایران، سبب تأسیس کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی در برخی از مناطق ایران از جمله در سبزواری شد (حسنی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که تجار ارمنی تبعه روسیه که در حوزه تجارت سبزواری فعال بودند، در ذیحجه ۱۳۲۳/ ژانویه ۱۹۰۶ از دولت ایران درخواست کردند تا به آنها اجازه دریافت امتیاز کارخانه پنبه پاک‌کنی و از غوزه درآوردن پنبه در سبزواری داده شود (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶: ۹۰۶/۲).

به‌همین منظور وزارت امور خارجه ایران در ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۹/ ۲۷ مارس ۱۹۱۱ در نامه‌ای به وزارت مالیه در باره دریافت امتیاز ماشین‌های پنبه پاک‌کنی در سبزواری و نیشابور نوشت: عشر مالیات که باید از صاحبان ماشین‌های پنبه پاک‌کنی در سبزواری و نیشابور دریافت شود را وصول نمایند و به‌ویژه از کارگزاری سبزواری بخواهید که در این گونه عایدات به هیچ وجه مداخله نمایند و اگر اشکالی در این زمینه پیش آمد، به کارگزاری خارجه محل

رجوع نمایند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۰۳۸/۳۶۸۴-۲۴۰). بر اساس گزارش نجدالسلطنه پیشکار مالیه خراسان در ۲۱ رمضان ۱۳۲۹/۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱ شش دستگاه ماشین پنبه پاک‌کنی در سبزوار، نیشابور و تربت حیدریه دایر شدند و از روی کنترت‌هایی که با دولت ایران بسته‌اند، می‌بایست عشر کلیه عایدات را به دولت ایران پرداخت نمایند. وزارت مالیه سه هدف را در این راستا دنبال می‌کرد: «۱- در اول ماه شعبان ۱۳۲۹/اول ژوئیه ۱۹۱۱ به مأمورین مالیه در ولایات مزبوره قدغن کنید به موجب قرارنامه عشریه مزبوره، جزء عایدات دولتی دریافت کنند. ۲- معلوم نمائید از این ماشین‌ها در درگز، سیستان و قائن هم اگر دایر شده به‌همین طور معامله شود. ۳- تفتیش کنید که هر یک از این کارخانه‌ها از روزی که تاکنون تأسیس شده‌اند چقدر عایدی داشته‌اند و عشریه دولتی را داده یا نداده که اگر داده و کارگزاری دریافت کرده، صورت مفصلی بنویسید و بفرستید که با وزارت خارجه مذاکره شود» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۳۹/۳۶۸۴-۲۴۰).

مطابق گزارش مفتش مالی خراسان در ۲۱ رمضان ۱۳۲۹/۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱ نشان داده می‌شود که شش دستگاه کارخانه پنبه پاک‌کنی در سال ۱۳۲۹ق. /۱۹۱۱م. وارد ایران شد و در شهرهای سبزوار، تربت حیدریه و نیشابور دایر گردید. مبالغ کنترت آنها نیز می‌بایست به دولت ایران پرداخت شود و از عایدات سالیانه این شش ماشین پنبه پاک‌کنی، عشر آن را به دولت ایران پرداخت کنند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۴۰/۳۶۸۴-۲۴۰). وزارت خارجه هم‌چنین در اول جمادی‌الآخر ۱۳۲۹/۳۰ می ۱۹۱۱ در باره ماشین‌های پنبه پاک‌کنی سبزوار و نیشابور به وزارت مالیه نوشت: به کارگزاری خارجه خراسان دستور داده شود کارگزاری سبزوار را قدغن نماید تا تحقیق کند که صاحبان ماشین‌های پنبه پاک‌کنی از زمان تأسیس تاکنون آیا مالیات پرداخت کرده‌اند یا خیر؟ اگر نپرداخته‌اند در وصول مالیات سال‌های گذشته به اداره مالیه محل اطلاع دهند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۵/۳۶۸۴-۲۴۰).

افزون بر کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی که توسط اتباع خارجی در سبزوار تأسیس شده بودند، برخی از کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی نیز توسط اتباع ایرانی ایجاد شدند که از جمله می‌توان به تأسیس دو کارخانه پنبه پاک‌کنی توسط حاج میرزا علی محمد اصفهانی در سبزوار اشاره نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۸/۳۶۸۴-۲۴۰؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۸۵؛ جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۹۵). وی هم‌چنین در سال ۱۳۳۰ق. /۱۹۱۲م. چندین دستگاه پنبه پاک‌کنی وارد سبزوار کرد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۷/۳۶۸۴-۲۴۰).

تجارخانه‌های فعال روسی در سبزواری

تاجران روسی برای نظارت بر تجارت پنبه سبزواری، تجارخانه‌هایی در این شهر تأسیس کردند. یکی از دلایل اهمیت تجاری سبزواری در اواخر دوره قاجار، تأسیس همین مؤسسات پولی و بانکی بود. این مؤسسات از لوازم کار تجارت محسوب می‌شدند و با پشتوانه دولت روسیه پدیدار شده بودند. ایجاد چنین مؤسساتی بیانگر اراده بیرونی برای رونق تجارت در سبزواری بود، به طوری که روس‌ها ابتدا امنیت را برقرار کردند و سپس در صدد بهره‌برداری تجاری از مناطق شمالی ایران و از جمله سبزواری درآمدند (تابش و احمدوند، ۱۳۹۸: ۵۱). نباید از نظر دور داشت که هدف روس‌ها از برقراری امنیت و تأسیس تجارخانه‌ها در سبزواری و سایر مناطق ایران، تنها رونق تجارت آن مناطق نبود، بلکه آنان برای پیشبرد مقاصد استعماری و به دست آوردن بازارهای تجاری ایران تلاش می‌کردند.

بر اساس اسناد موجود، تجار سبزواری از برخورد حکومت شهر نسبت به فعالیت تجاری آنها شکایت داشتند. در همین رابطه کنسول روسیه در ۱۶ صفر ۱۳۲۱/۱۴ می ۱۹۰۳ به کارگزار خارجه خراسان نوشت: «حکومت محلی سبزواری بنا بر نوشته تاجرباشی روس در سبزواری نسبت به تبعه دولت روسیه بی‌اعتنایی می‌کند و به جای همراهی با درخواست و مطالبات آنها کوتاهی و عدم توجه به درخواست‌های آنها دارد. این مسأله باعث یأس اتباع روسیه از تجارت در سبزواری شده است. اگر حکومت سبزواری رفتار خود را با تجار روسیه تغییر ندهد اسباب تشکی فراهم خواهد آمد (آرشیو وزارت امور خارجه: ۱۰۶ - ۱۳۱۶/۲ - ۱۳۱۳۲۱ق.). با وجود این، تلگراف ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹/۱ اوت ۱۹۰۱ از سبزواری به مشیرالدوله وزیر خارجه نشان می‌دهد که برخی از تجار ارمنی از جمله پانیانس (پانیانس) ارمنی مبلغی در حدود ۹ هزار تومان تنخواه از حاج میرزا محمدباقر مجتهد سبزواری دریافت کرده بود که در پرداخت آن قصور می‌کرد (آرشیو وزارت امور خارجه: ۵۳/۲۳-۱۲-۱۳۱۹ق.). طبق تلگراف کنسول روس در ۱۸ محرم ۱۳۱۹/۷ می ۱۹۰۱ و تأیید آن از طرف دولت مرکزی در تهران، حاجی میرزا محمدباقر ۹ هزار تومان وام به تجار آرامنه پرداخت کرده است. تاجرباشی روس مقیم سبزواری نیز همین موضوع را به کنسول روس در مشهد مخابره کرده است (آرشیو وزارت امور خارجه: ۷۰/۲۳-۱۲-۱۳۱۹ق.). از این رو، کنسول روسیه در تلگرافی به تاجرباشی سبزواری نوشت: پانیانس می‌بایست مبلغ نه هزار تومان حاجی میرزا محمدباقر مجتهد را به وکیل او، حاجی میرزا محمدعلی بپردازد. اما ظاهراً پولی به حاج میرزا محمدعلی نماینده میرزا محمدباقر مجتهد پرداخت نشده است. به همین دلیل از طرف دولت

مرکزی حکم به توقیف پانیانس داده شد. پانیانس نیز در حجره تاجر باشی سبزوار متحصن شد (آرشیو وزارت امور خارجه: ۶۴/۲۳-۱۲-۱۳۱۹ق.). برخی دیگر از تجار ارمنی فعال در سبزوار از جمله وارا میانس و سیوان مبالغی در حدود ۱۸۰۰۰ تومان به میرزا محمدباقر مجتهد بدهکار بودند. بر اساس تلگراف ارسالی به منتخب‌الملک، کارگزار خراسان از او درخواست شده است تا به اطلاع سرکنسول روسیه در مشهد برسانند و مبالغ بدهکاری تجار به حاج میرزا محمدباقر شریعتمدار سبزوار را اخذ نمایند (آرشیو وزارت امور خارجه: ۵۹/۲۳-۱۲-۱۳۱۹ق.). در این تلگراف آمده است: «از قرار معلوم ارامنه سبزوار خیلی از حد خود تجاوز نموده و بی‌اعتدالی می‌نمایند. تاجر باشی مسیحی چه کاره است که در امور ایرانیان دخالت نماید و حجره خود را بست قرار دهد [...] اگر ارامنه سبزوار بخواهند این نحو بی‌اعتدالی‌ها نمایند برای آنها نتیجه خوبی نخواهد داشت» (آرشیو وزارت امور خارجه: ۶۰/۲۳-۱۲-۱۳۱۹ق.). با وجود این نوع بی‌اعتدالی‌هایی که از سوی تجار تبعه روسیه در سبزوار رخ نموده بود، برخی از تجار تخانه‌های روسی در سبزوار دوره قاجار به فعالیت می‌پرداختند.

۱- تجار تخانه ویر مکرویچ یانس

ویر مکرویچ یانس^۱ از تجار روسی فعال در سبزوار بود. وی علاوه بر صادرات پنبه از سبزوار به روسیه، در سبزوار اقدام به دایر کردن کارخانه پنبه‌پاک‌کنی نمود (حسنی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). وزارت خارجه در ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ / ۳۰ دسامبر ۱۹۱۰ طی تلگرافی به وزارت مالیه در باره کارخانه پنبه‌پاک‌کنی ولایات ایران شرح می‌دهد که دو تجار تخانه مکرویچ یانس و نرسیانس در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م. از طریق سفارت روسیه از وزارت امور خارجه ایران تقاضا کرده‌اند تا اجازه داده شود در سبزوار و نیشابور کارخانه پنبه‌پاک‌کنی دایر نمایند. وزارت امور خارجه هم طبق قراردادی که به وزارت مالیه سپرده بود، با تقاضای آنان موافقت نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۳۰/۳۶۸۴-۲۴۰). دولت ایران از طریق وزارت خارجه به تجار تخانه مکرویچ یانس اجازه واردات ماشین‌های پنبه‌پاک‌کنی به سبزوار را داد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۱۱/۳۶۸۴-۲۴۰).

بر اساس نامه وزارت خارجه به کارگزار سبزوار در ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ / ۱۶ ژوئن ۱۹۰۵، تجار تخانه مکرویچ یانس در ذی‌الحجه ۱۳۲۲ / ژانویه ۱۹۰۵ و تجار تخانه نرسیانس در ذی‌الحجه ۱۳۲۳ / ژانویه ۱۹۰۶ با دولت ایران قراردادی منعقد کرده‌اند که طبق این قرارداد،

^۱. Makrovich Jans

تجارتخانه‌های مزبور عشرِ منافع عایدی از ماشین‌های پنبه پاک‌کنی در سبزواری و نیشابور را باید به دولت ایران پرداخت کنند. دولت از کارگزاری‌های سبزواری و نیشابور درخواست کرد تا مشخص نمایند در آن ولایت‌ها چند دستگاه ماشین پنبه پاک‌کنی دایر است و آنچه متعلق به این تجارتخانه‌هاست، چند دستگاه می‌شود و خارج از این تجارتخانه‌ها چند دستگاه دیگر دایر شده و متعلق به چه اشخاصی است؟ طبق تلگراف وزارت خارجه هر کس خارج از تجارتخانه‌های مکروبیچ یانس و نرسیانس ماشین پنبه پاک‌کنی دایر می‌نمود، مطابق همین قرارداد می‌بایست عشرِ منافع عایدات آن کارخانه‌ها را به‌عنوان حقوق دولتی پرداخت نماید. بر پایه اسناد دفاتر کارگزاری و دفاتر خود تجارتخانه‌ها مشخص می‌شد که چندین سال ماشین‌های پنبه پاک‌کنی در این شهرها فعالیت داشتند و چه مقدار از عایدات این ماشین‌ها پرداخت شده است (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۲/ ۱۱۹۱-۳۶۰). علاوه بر ماشین‌های پنبه پاک‌کنی، برخی ماشین‌های منگنه برای عدل‌بندی در سبزواری دایر شده بود که آنها نیز می‌بایست به دولت حقوق مقرری پرداخت نمایند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۲/ ۱۱۹۱-۳۶۰).

گزارش وزارت مالیه به وزارت امور خارجه از ماشین‌های پنبه پاک‌کنی نشان می‌دهد که تجارتخانه‌های نرسیانس و مکروبیچ یانس در سال ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ م. تعداد ۶ دستگاه ماشین پنبه پاک‌کنی در شهرهای سبزواری و نیشابور دایر کرده بودند که می‌بایست عشر عایدات آنان را به وزارت مالیه پرداخت کنند. در این باره از پیشکاران وزارت مالیه درخواست گردید تا عایدات دولت را به درستی از کارخانه پنبه پاک‌کنی اخذ کنند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۳۷/ ۳۶۸۴-۲۴۰). با وجود این، دولت ایران چند شرط را برای واگذاری امتیازنامه احداث کارخانه پنبه پاک‌کنی در سبزواری برای شهروندان روسی در نظر گرفته بود که عبارت بودند از: ۱- تجارتخانه مکروبیچ یانس امتیاز احداث کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی را به انحصار خود درنیورد تا سایر شهروندان داخلی و خارجی بتوانند با اجازه دولت ایران به تأسیس کارخانه پنبه پاک‌کنی در سبزواری و سایر ولایت‌ها اقدام نمایند. ۲- مکروبیچ یانس باید در کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی از عملیات و کارگران ایرانی استفاده کند. ۳- کارگران ایرانی که در خدمت کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی مکروبیچ یانس هستند، باید به کارگزاری خارجه این شهر معرفی شوند. ۴- مالیات دیوانی کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی مشتمل بر عشر منافع حاصل از سود سالانه آن به دیوان اعلی به‌عنوان مالیات دیوانی پرداخت شود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۳۳/ ۳۶۸۴-۲۴۰).

۲- تجارخانه نرسیانس

تجارخانه نرسیانس^۱ از دیگر تجارخانه‌های روسی بود که در شهرهای سبزوار و نیشابور شعبه و نمایندگی تجاری داشت. بر اساس گزارش کارگزاری سبزوار در ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲/ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۴ تجارخانه روسی نرسیانس در ذی‌الحجه ۱۳۲۳/ ۲۸ ژانویه ۱۹۰۶ با دولت ایران قراردادی منعقد کرد که طبق آن، تجارخانه مزبور عشر منافع عایدی از ماشین‌های پنبه‌پاک‌کنی سبزوار و نیشابور را باید به دولت ایران پرداخت کند. دولت به کارگزاری‌های سبزوار و نیشابور دستور داد که مشخص کنند در این دو شهر چند دستگاه ماشین پنبه‌پاک‌کنی دایر است و آنچه متعلق به این تجارخانه است، چند دستگاه می‌شود و خارج از این تجارخانه‌ها چند دستگاه دیگر دایر شده و متعلق به چه اشخاصی است؟ هر کس خارج از دو تجارخانه نرسیانس و مکروویچ یانس ماشین پنبه‌پاک‌کنی دایر کرده باشد، عشریات را مطابق همین قرارداد حقوق دولتی ایران پرداخت کند. آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۲/ ۱۱۹۱-۳۶۰). تجارخانه نرسیانس در تلگراف ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۸/ ۳۱ دسامبر ۱۹۱۰ به وزارت خارجه چنین آورده است: از طریق سفارت روسیه در ذی‌الحجه ۱۳۲۲/ مارچ ۱۹۰۵ از وزارت امور خارجه ایران تقاضا کرده است اجازه داده شود در ولایت‌های سبزوار و نیشابور کارخانه پنبه‌پاک‌کنی دایر نماید. وزارت امور خارجه هم طبق قراردادی با تقاضای این تجارخانه موافقت کرد و در مورد دریافت عشریه عواید کارخانه مزبور، دستورالعمل لازم را به کارگزار خراسان ارسال نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۳۰/ ۳۶۸۴-۲۴۰).

۳- تجارخانه استوکن

تجارخانه استوکن^۲ از دیگر تجارخانه‌های روسی بود که مرکز اصلی آن در مسکو قرار داشت و دو شعبه و نمایندگی در خراسان تأسیس کرده بود. شعبه اصلی آن در مشهد بود و شعبه دیگر در سبزوار فعالیت می‌کرد (عیسوی، ۱۳۸۸: ۵۶۵؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۱۱۸-۱۱۹؛ حسنی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). تجارخانه استوکن تا جنگ جهانی اول فعالیت داشت (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۱) و منابع تاریخی آگاهی‌های بیشتری در باره فعالیت این تجارخانه در سبزوار ارائه نمی‌دهند.

^۱. Narcissus

^۲. Stuken

۴- شرکت بارانسکی

شرکت تجاری بارانسکی^۱ در ایام جنگ جهانی اول در ایران فعالیت می‌کرد و در سبزواری شعبه و نمایندگی داشت. این شرکت تجاری روسی در زمینه صادرات پنبه و خشکبار از سبزواری به روسیه فعالیت می‌کرد (لیتن، ۱۳۶۷: ۱۲۰).

۵- تجارتخانه خلوپ‌گم

تجارتخانه روسی خلوپ‌گم^۲ در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه (دی ۱۳۰۳ / دسامبر ۱۹۲۴) فعالیت خود را در خراسان آغاز کرد. این تجارتخانه هر ساله مقادیر زیادی پنبه را از منطقه خراسان برای حمل به روسیه خریداری می‌کرد. با وجود این‌که دفتر مرکزی تجارتخانه خلوپ‌گم در مشهد مستقر بود، روس‌ها شعبه‌ای از این تجارتخانه را به همراه کارخانه پنبه پاک‌کنی در شهرهای سبزواری، جوین، میان‌آباد، نیشابور و تربت حیدریه تأسیس کردند و برای خرید پنبه مورد نیاز این کارخانه‌ها عده‌ای از مأمورین خود را برای خرید پنبه به اطراف اعزام می‌کردند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ۴-۳ / ۲۶۳۳۳-۲۴۰). روس‌ها در سال ۱۳۰۴ ش. / ۱۹۲۵ م. حدود دوازده کارخانه پنبه پاک‌کنی در منطقه خراسان داشتند و رفته‌رفته همه ماشین‌های پنبه پاک‌کنی منطقه خراسان را اجاره کردند. با توجه به این‌که پنبه قبل از حمل به خارج از کشور می‌بایست پاک و عدل‌بندی شود، زارعان پنبه‌کار چون دستگاه‌های پنبه‌پاک‌کنی نداشتند، ناگزیر بودند به هر نحوی که تجارتخانه خلوپ‌گم تعیین می‌کند، محصول خود را به آن تجارتخانه بفروشند (آرشیو وزارت امور خارجه: ۶۲-۶۰ / ۴۷-۳۸-۴۱ ش.). در این بین، هزینه‌های بالای حمل‌ونقل مانع بزرگی برای صنعت پنبه‌کاری خراسان به‌ویژه ولایت سبزواری محسوب می‌شد.

شرکت مختلط پرس خلوپ‌گم^۳ در سال ۱۳۴۲ ق. / ۱۹۲۴ م. بیش از چهارصد هزار پود^۴ پنبه و سایر کالاها از جمله پشم، کنف، کتیرا، برنج و خشکبار را که در خارج بازاری نداشت، از ایران خریداری کرد. شرکت مزبور یکی از شرکت‌های مشترک ایران و شوروی بود و در توسعه و پرورش کشت پنبه در ایران نقش بزرگی ایفاء نمود. شرکت مزبور انواع جدید

^۱. Baransky

^۲. Khloopkem

^۳. از سال ۱۳۳۹ ق. / ۱۹۲۱ م. به‌ابتکار دولت شوروی و در دوره طرح نپ، به‌جای تجارتخانه‌های شخصی، شرکت‌های دولتی بازرگانی به‌وجود آمد. آنها برای توسعه بازرگانی و تجارت با ایران در زمینه تجارت شکر، قند و پنبه، شرکت‌های مختلطی با عنوان شرکت مختلط پرس خلوپ‌گم با مشارکت ایران تأسیس کردند (ایوانف، ۱۳۵۶: ۶۰).

^۴. هر پود برابر با ۱۶ کیلوگرم بود.

پنبه‌های گران‌بها را در ایران پرورش می‌داد و مزارع نمونه و هم‌چنین ایستگاه‌های هواشناسی برای آنها تأسیس کرد. کارها و فعالیت‌های بزرگ این شرکت باعث شد که پنبه‌کاران ایران که در سال‌های جنگ و بعد از جنگ در حال ورشکستگی و نابودی بودند، احیاء گردند و نجات یابند (ایوانف، ۱۳۵۶: ۶۱-۶۰). این شرکت، سبزوار را به‌عنوان مرکز عملیات خرید پنبه خراسان برگزید و افراد زیادی در آنجا مشغول به کار شدند (ایوانف، ۱۳۵۶: ۶۴).

نتیجه‌گیری

سبزوار یکی از ولایت‌های عمده تولید پنبه در ایران اواخر دوره قاجار بود که بخش قابل‌توجهی از صادرات پنبه ایران را تولید می‌کرد. از آنجا که این شهر دارای خاک مناسب و آب و هوای مساعد برای تولید پنبه بود، دو نوع پنبه بومی و پنبه فیلیستانی در این ولایت و قصبه‌های پیرامون آن تولید می‌شد. در اواخر دوره قاجار کمبود پنبه در دنیا به‌ویژه در امریکا، سوداگران و بازرگانان خارجی را به مناطق پنبه‌خیز ایران سوق داد. در این بین، تجارت روسی به‌دلیل نزدیکی مرزی با خراسان، دسترسی آسان به ولایت‌های خراسان پس از افتتاح راه‌آهن ماوراء خزر و امنیت و آرامش منطقه پس از انعقاد قرارداد آخال با ایران، برای تولید و صادرات پنبه مرغوب به خراسان به‌ویژه ولایت پنبه‌خیز سبزوار رهسپار شدند. پنبه‌کاران سبزوار با حضور تجارت روسی موفق به تولید پنبه باکیفیت شدند. تجارت روسی روش‌های علمی و نوین تولید پنبه را برای تولید پنبه مرغوب به کشاورزان و پنبه‌کاران سبزوار آموزش می‌دادند. آنها هم‌چنین برای صادرات پنبه مورد نیاز و واردات تولیدات کارخانجات روسی به سبزوار، به تأسیس تجارتخانه‌های مکروبیچ یانس، نرسیانس، استوکن، بارانسکی و خلوپ‌کم در این ولایت مبادرت ورزیدند. افزون بر این، تجارت روسی به ایجاد کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی روی آوردند تا بتوانند با تهیه پنبه باکیفیت و عدل‌بندی پنبه‌های تولید شده، مواد اولیه باکیفیتی برای کارخانجات نساجی روسیه تهیه کنند. چنین می‌نماید که سبزوار اواخر دوره قاجار جایگاه ممتازی در تولید و صادرات پنبه ایران داشته است که در این میان، نقش فعالان اقتصادی و سوداگران روسی با ایجاد تجارتخانه‌ها و کارخانجات پنبه‌پاک‌کنی مشخص‌تر است.

منابع و مآخذ

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سند شماره: ۳-۴/ ۲۶۳۳۳-۲۴۰.

سندهای شماره: ۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۳-۳۱-۳۰-۸-۷-۵، ۳۶۸۴-۲۴۰.

سندهای شماره: ۱۱/ ۳۶۸۴-۳۶۰ و ۱۱۹۱/۲-۳۶۰.

وزارت امور خارجه، آرشیو اداره حفظ و نگهداری اسناد

سندهای شماره: ۷۰-۶۴-۶۰-۵۹-۵۳-۱۹-۲۳/۱۷-۱۲-۱۳۱۹ ق.

سند شماره: ۱۱۸/۱۵-۱۱-۱۳۲۰ ق.

سند شماره: ۱۰۷-۱۰۶-۱۶/۲-۱۳۲۱ ق.

سند شماره: ۶۲-۶۰/۴۷-۳۸-۱۳۰۴ ش.

فارسی:

احمدی، سیروس، ۱۳۹۵، "تحلیل تاریخی موانع توسعه صنعتی ایران"، توسعه راهبرد، سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی ۴۶، صص ۳۶-۲۱.

اشرف، احمد، ۱۳۵۹، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران: زمینه.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۰۳ ق.، *مطلع‌الشمس*، ج ۳، تهران: اداره انطباعات حکومتی.

انتنر، مروین، ۱۳۶۹، *روابط بازرگانی روس و ایران*، ترجمه: احمد توکلی، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

ایوانف، میخائیل سرگه‌یویچ، ۱۳۵۶، *تاریخ نوین ایران*، ترجمه: هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: اسلوج.

بخاری، میرزا سراج‌الدین، ۱۳۶۹، *سفرنامه تحف بخارا*، با مقدمه: محمد اسدیان، تهران: بوعلی.

تابش، عقوب و فاطمه احمدوند، ۱۳۹۸، "واکاوی جایگاه تجاری سبزواری در اواخر عهد قاجار"، *تاریخ ایران*، دوره دوازدهم، شماره دوم، صص ۵۶-۳۵.

پالمر، رابرت روزول، ۱۳۸۶، *تاریخ جهان نو*، ج ۲، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.

جمال‌زاده، محمدعلی، ۱۳۳۵، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: سلسله انتشارات اداره کاوه.

حسینی، سید رحمان، ۱۳۸۸، "نقش شرکت‌های تجاری ایران و روسیه در اقتصاد دوران قاجار"، فصلنامه *تاریخ روابط خارجی*، وزارت امور خارجه، شماره ۴۱، صص ۱۴۶-۱۳۳.

دالمانی، هانری رنه، ۱۳۳۵، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه: علی محمد فره‌وشی (همایون)، تهران: امیرکبیر.

ذبیحی، مسیح، ۱۳۴۸، *استرآباد نامه*، با همکاری: ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: فرهنگ ایران زمین.

رزم‌آرا، حسینعلی، ۱۳۲۹، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، ج ۹، تهران: دایره‌المعارف جغرافیایی ستاد ارتش.

فعالیت تجارخانه‌ها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی روسی در سبزوار اواخر دوره قاجار □ ۱۰۱

سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی خان، ۱۳۶۲، *سفرنامه سدیدالسلطنه*، به تصحیح و تحشیه: احمد اقتداری، تهران: به‌نشر.

سیاح محلاتی، محمدعلی، ۱۳۵۹، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به‌اهتمام: حمید سیاح، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

سیف‌الدوله، سلطان محمد میرزا، ۱۳۶۴، *سفرنامه سیف‌الدوله*، به تصحیح و تحشیه: علی‌اکبر خداپرست، تهران: نی.

عیسوی، چارلز، ۱۳۶۲، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: گستره.
عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۴، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۲، به کوشش: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

قاجار، ناصرالدین شاه، ۱۳۵۴، *سفرنامه خراسان*، تهران: فرهنگ ایران زمین.

قصابی‌گزکوه، جلیل و همکاران، ۱۳۹۹، "بررسی فعالیت تجارخانه‌های روسی در مشهد دوره قاجار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۴۴ ق."، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، صص ۲۷۰-۲۴۹.

کرزن، جرج ناتینل، ۱۳۶۲، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: غلامعلی وحیدمازندرانی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.

لیتن، ویلهلم، ۱۳۶۷، *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی*، ترجمه: مریم میراحمدی، تهران: معین.

ییت، ادوارد چارلز، ۱۳۶۵، *خراسان و سیستان*، ترجمه: مهرداد رهبری و قدرت‌الله روشنی، تهران: یزدان.

لاتین:

Gazetteer of Persia, 1910, Prepared by the General Staff, Head Quarter, volume 1, India: Simla.

